

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترق

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ • ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۲۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

در رثای «خورشیدو»



الهه خسروی یکانه

یک فیلم درباره جنوب جنگ، درباره شهرش بسازد و داغش را بر دلش گذاشتند. یادمان نمی‌رود و دریغ می‌خوریم. یادمان نمی‌رود و انگشت ندامت به دندان می‌گیریم که نبودنش را در سینما تماشا کردیم و فقط افسوس خوردیم. چیزهای دیگری هم برای به یاد آوردن هست. مثلا نگاه انسانی‌اش به زن که در کاغذ بی‌خط به تمامی بروز یافت. با عشقش هم همه آنها که پیوستند تا رودی بزرگ بسازند. او کم کار کرد اما به کمال کار کرد. به این خاطر است که سوگواری برای ناصر تقوایی کار بیهوده‌ای است. چون زمانه را شکل داد. چون هنرمند مؤلف بود و آن‌قدر مغرور و پاینده به اصول که در اعتراض به سانسور دیگر کار نکرد. «خورشیدو» تیر خورده و ناخدا خورشید غرق شده. «پلنگ عاقبت به تنگ آمد. به قصد پرنوترین ستاره. در یک شب پرستاره. پلنگ همه عمرش را در بلندترین خیز خود گذاشت. پلنگی در بلندترین خیز خود در یک شب پرستاره به قصد پرنوترین ستاره. در هوا تیر خورد»*



یاد

مرگ تراژیک؛ سرنوشت کارگردانان بزرگ سینمای ایران



ابراهیم یوبی

سوم، داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر؛ هیچ‌کدام از این مرگ‌ها به اندازه قتل فجیع داریوش مهرجویی و همکار و همسرش وحیده محمدی‌فر دلخراش نبود. یافت‌شدن جنازه کارد آجین‌شده این دو سینماگر نامدار ایران در ویلای خود، هنوز که هنوز است باورپذیر نیست. پس از رسیدگی به پرونده در دادگاه کیفری یک استان البرز، تنها متهم ردیف اول به دلیل ارتکاب جرم قتل عمدی به دو بار قصاص نفس محکوم و دیگر سه متهم پرونده با اتهاماتی چون شروع به قتل عمدی، معاونت در قتل و ضرب و جرح عمدی به حبس محکوم شدند. البته اولیای دم مهرجویی‌ها در مردادماه امسال از قصاص نفس گذشت کردند ولی همچنان خود را دادخواه می‌دانند. خانم مانوش منوچهری، یکی از وکلای پرونده در یادداشتی در شماره خرداد و تیرماه ۱۴۰۴ نشریه «بخارا»، یادنامه استاد داریوش مهرجویی، این‌گونه می‌نویسد: «روند پاسخ‌های متهمین در بازجویی که آن روز بیش از ۲۰ نفر بودند و من امروز تنها به چهار متهمی که برایشان کیفرخواست صادر شد اشاره می‌کنم، به این ترتیب بود: اول انکار، انکار حتی حضور در صحنه جنایت، دوم و پس از احتمالا حضور در بازجویی‌های سخت‌تر اظهارات متناقض و داستان‌هایی که هیچ‌یک ربطی به دیگری نداشت، سوم اقرار جنایت... و چهارم انکار متهم اصلی پرونده...». این نشان‌دهنده سیر پرونده است. همچنین ایشان در آخرین گفت‌وگویی که روز گذشته با روزنامه «اعتماد» داشتند، گفته‌اند:

۶ نفر

دیروز برای یک پژو در جاده فسا حادثه‌ای رخ داد و شش نفر از کادر درمان در آن دچار حادثه شده‌اند. اتفاقی که در شبکه‌های اجتماعی بازخورد گسترده و تائرآوری داشت. مدیر مرکز اورژانس فسا با بیان جزئیات حادثه اعلام کرد: «سه دستگاه آمبولانس به صحنه اعزام شد. بررسی‌های اولیه نشان داد پنج نفر جان خود را از دست داده‌اند و یک نفر نیز در محل مصدوم و تحت درمان قرار گرفت». بر اساس اطلاعات اولیه، همه جان‌باختگان از پرسنل درمانگاه دانشگاه فسا بوده‌اند که در مسیر رفت‌وآمد به محل کار خود بودند.

۴۰۰ میلیون تومان

خانوارهای دهک‌های یک تا سه درآمدی امسال می‌توانند از وام ۴۰۰ میلیون تومانی با کارمزد پنج درصد و بازپرداخت ۲۰ساله بهره‌مند شوند. این طرح از سال ۱۳۸۴ آغاز شده است. در آن زمان سقف وام فقط پنج میلیون تومان بود که حدود ۷۰ درصد هزینه احداث یک واحد مسکونی روستایی را پوشش می‌داد، اما با افزایش هزینه‌ها، رقم وام به ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است. مسئول این وام‌ها وعده داده است که در سه ماه پایانی سال پس از تصویب در هیئت وزیران، وام‌های جدید عملیاتی خواهد شد.

شترق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

روزنامه

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ • ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۲۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

تاریخ‌خوانی

ناصر تقوایی چند بار ترور شد

دیروز و در رثای روزهای سختی که ناصر تقوایی در راه فیلم‌سازی تجربه کرده است، رسانه‌های مختلف نوشتند و گزارش دادند. ایسا به سراغ یکی از گفت‌وگوهای قدیمی سعید عقیقی، نویسنده کتاب سینمای تقوایی، رفت و بخش‌هایی از آن را بازتاب داد. در این گفت‌وگو از دو فیلم ساخته‌نشده تقوایی یاد شده است: «زنگی و رومی» و «چای تلخ». سرانجام «چای تلخ» آن‌قدر تلخ است که تبدیل به یک حسرت ابدی شد. عقیقی گفته است: «به نظر من شخصیت ناصر تقوایی طی پنج دهه چند بار ترور شده است. در آغاز کارش تعدادی از مستندهایش که با کمترین امکانات ساخته شده بودند، توقیف شد. خودش با خنده تلخی می‌گفت اگر من کارم را بلد نبودم، چرا باز امکانات دادند و باز توقیف کردند؟ دفعه بعد، توقیف سه‌ساله «آرامش در حضور دیگران» بوده است. این فیلم در قیاس با اغلب آثار مشهور سینمای ایران، هنوز فیلمی پیشروست. اما توقیفش باعث شد او «صادق کرده» را بسازد و عملا با فیلم «نفرین» از یک دهه بعد با سینمای ایران خداحافظی کند. در این دوره است که ماجرای «دایی‌جان ناپلئون» پیش می‌آید. دفعه بعدی که به‌نظم او به لحاظ شخصیتی ترور شد، سر فیلم «زنگی و رومی» بود که ۲۰ دقیقه از آن فیلم‌برداری شد ولی بعد معلوم شد آن کسی که گروه را به قشم آورده بود، می‌خواسته از رانت فرهنگی استفاده کند تا یک‌سری لوازم را وارد کشور کند و بعد از اینکه آن کار انجام شد، گفت دیگر به پروژه نیازی ندارد. دفعه بعد هم «چای تلخ» بود. بعد از ماجراهای این فیلم یک روز آقای تقوایی را دیدم. هیچ‌وقت آن شب را فراموش نمی‌کنم که در ماشین بودیم و به سمت منزل ایشان می‌رفتیم؛ تعریف می‌کرد: «توقف فیلم (چای تلخ) هیچ معنایی نداشت جز اینکه قرار بود آبرو و حیثیت من را ببرند و کاری کنند که بگویند تو فیلم‌ساز نیستی و بلد نیستی فیلم را تمام کنی!». سینمای ایران با تقوایی خیلی بد کرد در حالی که به نظرم او به‌جز میزاسنن‌های خوب، به سینمای ما نداده است. آن‌قدر تصویر بد به خود ما داده‌اند که دیگر فرق بین انسجام سینمایی و نوار متحرک را متوجه نمی‌شویم و به همین دلیل تقوایی به نظرم‌ان وسواس دارد».

عقیقی همچنین گفته است: «من شخضا تقوایی را هرگز حسرت‌خوار چیزی ندیده‌ام، اما حس می‌کنم ته ذهنش آن آدم زیادی‌بودن را به عنوان یک حقیقت پذیرفته باشد. فکر می‌کنم نزدیک‌ترین شخصیتی که به خودش خلق کرده، «ناخدا خورشید» باشد. آدمی که «شرطه»‌ها یک دستش را قطع کرده‌اند و او باید با نیرویی مضاعف با دنیایی که به طور کامل علیه او طراحی شده، بجنگد. البته جنگی نابرابر است، اما چاره‌ای هم غیر از آن وجود ندارد. درگیری آدم‌ها با تقدیر پیرامونشان همواره برای تقوایی مسئله اصلی بوده و همیشه در بطن هر نوع فیلمی که ساخته با این مسئله برخورد کرده است».

خبر

برپایی نمایشگاه «نقش مهر»



نمایشگاهی از آثار نقاشی زنده‌یاد محمدمسعود معطریان با عنوان «نقش مهر» در نگارخانه شیت در حال برگزاری است. این نمایشگاه به کوشش نگارخانه شیت و با همکاری جمعی از هنرمندان و حامیان فرهنگی برپا شده است. استاد محمدمسعود معطریان متولد ۱۳۲۵ در تهران و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک هنری از آمریکا بود. او در دوران فعالیت خود نمایشگاه‌های متعددی در تهران و استان البرز برگزار کرده بود و همچنین سفرهای بسیاری برای عکاسی و مشاهده طبیعت به اقضا نقاط کشور ایران داشت. او نقاشی طبیعت‌گرا اولین زنده‌یاد ایران به باشگاه هشت هزار متری‌های جهان راه یافته است؛ اتفاقی که سبب شد بسیاری به این زن کوهنورد تبریک بگویند. افسانه حسامی‌فرد، که پزشک متولد سبزوار است، نخستین زن کوهنورد ایرانی است که موفق شده به تمام قله‌های هشت هزار متری جهان صعود کند و وارد باشگاه هشت هزار متری‌ها شود. او غیر از قله دماوند به قله‌های بالای هشت هزار متری صعود کرده است. اورست، لهوتسه، ک۲، برودبیک، آناپورنا، نانکاپاریات، گاشربروم ۱، گاشربروم ۲، ماکاوا، ماناسلو، شیشاپانگما، دهالاگیری و کانگچنجونگا اسامی این قله‌ها هستند.

شترق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

روزنامه

چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۴ • ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۲۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

طنزخوانی

جنگ ۱۲روزه، فرصتی عالی برای پیچاندن



آبدین سیار سریع

ما ایرانی‌ها استاد پیچاندنیم. فرهنگ «رودریاستی»‌ای که از قدیم در ژنتیک ما نهاده‌ین شده، باعث شده راحت توانیم خواسته دیگران را رد کنیم، مثلا ما یک رفیقی داریم که این بنده خدا ۱۰ سال است که می‌خواهد ما را صبح جمعه ببرد کوه. ما هم چون با طرف رودریاستی داریم، هر دفعه یک بهانه‌ای می‌آوریم که دست از سرمان بردارد. یک بار می‌گویم همسرم مریض است، بار دیگر می‌گویم خودم مریضم، دفعه بعد پدرم را به یک بیمارستان خیلی برده‌ام و خلاصه هر دفعه برای کوه‌رفتن یک نفر را راهی بیمارستان می‌کنم. این بار آخری، دیدم بی خیال نمی‌شود، گفتم بین سروش‌جان! من کلا نیستم! برای همیشه از ایران رفته‌ام! سروش پرسید به سلامتی کجا رفتی؟ کمی فکر کردم و گفتم یک جایی را بگویم که یک درصد هم امکان کوه‌رفتن وجود نداشته باشد. گفتم جای شما خالی، مهاجرت کردم تانزانیا. سروش در کمال تعجب گفت: «عالی شد. ما آخر هفته می‌خوایم کلیمانجارو رو فتح کنیم. تو هم بیا». اول فکر کردم شوخی می‌کند. بعد فهمیدم جدی جدی بلیت گرفته که با گروه کوهنوردی بروند تانزانیا، مرز کنیا. دیگر نمی‌دانستم چه کار کنم. الکی گفتم بین تانزانیا ایرانسل آتن نمی‌ده. قطع و وصل می‌شه... الو... الو... بعد تماس را قطع کردم. نیم‌ساعت بعد که رفتم نانوائی، دیدم یک نفر از پشت می‌زند روی شانه‌ام و با کنایه می‌گوید: تانزانیا! نونوائی نداره؟ برگشتند دیدم سروش است. خیلی بد شد. هرچه گفتم همین پنج دقیقه پیش از تانزانیا برگشتم، سروش باور نمی‌کرد و می‌گفت چطوری نیم‌ساعت پیش به قاره دیگه بودی الان ایرانی؟ مرد کنده جوړی رفتار می‌کرد انکار شکست عشقی خورده. با یک حالت بغضی گفت ۱۰ سال آژگار تو به رابطه یک‌طرفه موندم ولی دیگه نمی‌تونم! بعد فریاد زد کتافت با کی می‌ری کوه که منو بیچونندی؟ اینجا دیگر واقعا باید حقیقت را می‌گفتم که از کوه‌رفتن بدم می‌آید و اصلا اعتقادی به ساعت چهار صبح جمعه بیدارشدن ندارم، ولی باز هم نتوانستم. سروش را کشاندم یک گوشه و گفتم: ببین... چه جوړی بهت بگم... من اون‌ی که فکر می‌کنی نیستم. سروش با تعجب گفت: کی هستی تو؟ دهانم را جسیابندم به کوشش و گفت: من سیاسی‌ام... از خارج دنبالم. من الان با تو بیام کوه، جون تو هم به خطر می‌افته. خوشبختانه همین یک جمله توانست بعد از ۱۰ سال به این بازی کثیف کوه‌رفتن خاتمه دهد و الان سروش آن‌قدر نرسیده که حتی من هم بهش زنگ می‌زنم جواب نمی‌دهد. شاید برایتان سؤال شود که چرا امروز این خاطره را نوشتم. درواقع همه چیز از توییט آقای عزت‌الله ضرغامی شروع شد که نوشته بود: «این روزا با بعضیا که دوزار مسئولیت دارن تماس می‌گیریم، می‌گن دیگه موبایل همراه ندارن یا محل استقرارشون معلوم نیست!». خواستم بگویم منی که دوزار مسئولیت ندارم این‌جوړی طرف را بیچاندم. دیگر مسئولی که دوزار مسئولیت دارد، طبیعی است که از این فرصت کم‌ظنیر استفاده کند و بگوید من دیگه اصلا موبایل ندارم! کاش من هم دوزار مسئولیت داشتم. واقعا حوصله تلفن جواب‌دادن ندارم.

اتفاق‌خوانی

هر ۴۰دقیقه یک سرطان

ایستنا: رئیس انجمن بیماری‌های سینه ایران اعلام کرد که هر ۴۰ دقیقه یک زن در ایران به سرطان سینه مبتلا می‌شود و در صورت ادامه روند فعلی، این آمار تا سال ۲۰۳۰ دو برابر خواهد شد. دکتر ناهید نفیسی، رئیس انجمن بیماری‌های سینه ایران، در اولین کنفرانس علمی جراحی پیشرفته سینه گفت: امروزه با استفاده از دستگاه‌های نوین می‌توان تومورهای سرطانی را کوچک کرد و سپس بیماران را برای شیمی‌درمانی و سایر مراحل درمان آماده کرد. زنان لازم است تا ۴۰ سالگی غربالگری‌های دوره‌ای انجام دهند تا بیماری در مراحل اولیه تشخیص داده شود.